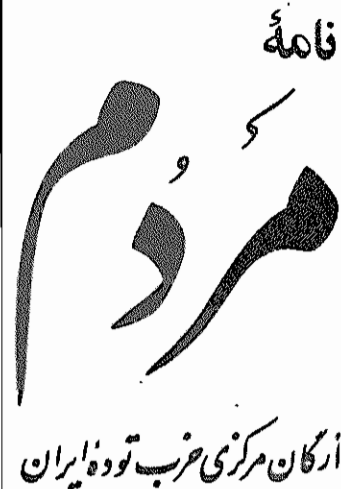


نقشه امریکائی تجاوز رژیم صدام به ایران شکست خورده، ولی امریکا هنوز شکست قطعی نخورده است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۵
چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۲۴ محرم ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

نورالدین کیانوری
(پرسش و پاسخ)

گام مهم در جهت تعمیق شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران

صفحه ۴

اینک، در کمال خوشوقتی، میتوان گفت که تمام مقامات مسئول درجه اول جمهوری اسلامی ایران، هم به پیری از ارزیابی درست امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هم بر اساس واقعیات انکارناپذیر به این نتیجه درست رسیده اند که جنگ تجاوزی داروسته صدام علیه ایران، در واقع جنگ امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است.

برای اثبات این واقعیت که جنگ تجاوزی داروسته صدام علیه ایران در واقع جنگ امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، دلایل متعددی میتوان ذکر کرد، از جمله:

حمايت امریکا از رژیم صدام، حمايت رژيمهای دست نشانده امریکا در منطقه از رژیم صدام، بویژه عربستان سعودی، مصر، اردن و عمان، اقدام عربستان سعودی به واگذاری بنادر خود به رژیم صدام، اعزام آواکسهای امریکا برای ایجاد يك اتحادیه نظامی از تمام کشورهای ارتجاعی وزیر سلطه امریکا در منطقه، تسلیح ارتش عراق توسط فرانسه، تمرکز بیش از ۶۰ فروند ناو جنگی امریکائی، انگلیسی و فرانسوی در آبهای غرب اقیانوس

هند و خلیج فارس، تقویت مدارم حضور نظامی امریکا در مصر، عربستان سعودی، عمان و دیگر کشورهای زیر سلطه امریکا در منطقه، تدارک تحریکاتسی در سیستان و بلوچستان ایران توسط رژیم دست نشانده ضیاءالحق، برای جلب بخشی از نیروهای ما به این جبهه جدید و بدینسان تضعیف قدرت مقاومت جمهوری اسلامی ایران در جبهه جنگ با رژیم صدام و الی آخر. همه این عملیات به نحو بازوی نشان می دهد که ما در واقع نه با صدام، بلکه با امریکا در جنگیم به اضافه بوضوح نشان میدهد که امریکا، که اینک بوسیله تجاوز صدامی دست بکار شده، نقشه های دور و درازتری و مارهای دیگری در آستین دارد.

هدف تجاوز نظامی امریکایی صدام - چنانکه میدانیم و معلوم است - براندازی «بشق آسای» جمهوری اسلامی ایران و یا حداقل برقراری يك «حکومت آزاد» امریکائی در يك بخش اشغال شده از کشور ما بود، که بتواند بصورت پایگاه «به» رسمیت شناخته ای، از جانب رژیمهای دست نشانده امریکا و نیز خود امریکا برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بکار رود. این نقشه در برخورد

به وحدت و شور انقلابی و مقاومت دلیرانه خلق قهرمان ما و نیروهای مسلح ما، از ارتش و پاسدار، بکلی شکست خورد. ولی امریکا هنوز شکست قطعی نخورده است، هنوز «قوای ذخیره» امریکا باقی است، هنوز ما حتی سراز در هم شکستن تجاوز امریکائی صدام و راندن ارتش مهاجم به آنسوی مرزهای عراق، به بیروزی قطعی و نهائی بر امریکا دست نیافته ایم.

واقعیت اینست و به زرفای این واقعیت باید تماما پی برد که، امریکا باین «سادگی» دست از سر ما بر نخواهد داشت، برای باز پس گرفتن ایران - این بیست گم شده، خود، توطئه پشت توطئه بقیه در صفحه ۷

این امریکاست که میخواهد ایران را تجزیه کند

ولی از نظر نویسنده روزنامه انقلاب اسلامی، امریکا «مرفدار حفظ تمامیت ارضی ایران است» و «دولت اسلامی ایران (را) نماینده مردم این سرزمین می شناسد»!

اصرار عجیبی که از جانب برخی محافل، گاهی آگاهانه و گاهی ناآگاهانه، برای اثبات نظریات بکلی نادرست و خلاف واقع میشود، هم بقیه در صفحه ۲

دشمن در جبهه آهوا از به عقب رانده شد

بهاکت رسیدند. در این پیکار برادران پاسدار ه دستگاه تانک، تعدادی آر پی بی بی، هفت و کلاشینکف و یک دستگاه بی سیم دشمن را سالم به تصرف خود در آورده اند. در یک درگیری دیگر در همین روز، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محور محدیه تصداه ۳ دستگاه تانک دشمن را منهدم کردند و تعدادی از مزدوران بعثی را کشتند. تعدادی را نیز مجروح کردند. در این دو عملیات بقیه در صفحه ۴

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه ای عملیات رزمندگان پاسدار را علیه مزدوران صدامی چنین برشمرد:

۱- در تاریخ ۲۹/۹/۵۹ در منطقه آبادان نیروهای مزدور صدام تکریتی در منطقه سلیمانیه و محدیه، که قصد محاصره پاسداران را داشتند، از ساعت ۷ بامداد حمله را آغاز کردند، که با رشادتها و جانبازیهای برادران پاسدار، ۲ تانک دشمن منهدم شد و دوازده نفر از مزدوران

در اجتماع و راهپیمائی مردم قم، بازاریان تهران و مردم مشهد

توطئه علیه رهبری انقلاب و روحانیت مبارز شدیداً محکوم شد

افکنانه را، که موجبات تضعیف روحانیت مبارز را فراهم بیاورد، محکوم کردند.

«ما بخوبی میدانیم که موج انقلاب اسلامی ما و گسترش آن در منطقه امپریالیسم جهانخوار امریکا را به دیوانگی و عصیانیت شدید دچار کرده و با دست عوامل خود دست به هر توطئه برای توقف و شکست این انقلاب خواهد زد.»

در قطعنامه بازاریان تهران از جمله آمده بود:

«نحوه عمل روزنامه انقلاب اسلامی و میزان را بخصوص در رابطه با وقایع یکماهه اخیر، چیزی جز تفرقه افکنی بین صفوف متحد مسلمانان ندانسته و به این دو روزنامه شدیداً هشدار میدهیم.»

«ما بازاریان متعهد و مسلمان پیرو خط امام توطئه ای را که در لباس سخنرانیهای مکتب حسینی توسط دفتر هماهنگی های مردم با رئیس جمهوری در تهران و شهرستانها، بخصوص در مشهد را شدیداً محکوم می نمائیم.»

در مشهد نیز قریب به نیم میلیون نفر از طبقات گوناگون مردم، ضمن راهپیمائی هائی، هر گونه اعمال توطئه آمیز و نفاق -

بمناسبت تحریکات اخیر و اعمال تفرقه افکنانه ای که در جهت تضعیف رهبری انقلاب و روحانیت مبارز انجام گرفت، مردم قم و مشهد و بازاریان مسلمان پیرو خط امام تهران، ضمن راهپیمائی های پرشور و با صدور قطعنامه هائی این توطئه ها را محکوم کردند.

در قطعنامه مردم قم از جمله آمده است:

«ما هر کسی که به هر شکل و عنوان بخواد بر علیه روحانیت اصیل و مبارز سماشی و اقدام نماید، توطئه ای حساب شده علیه اسلام دانسته و تضعیف روحانیت را يك نقشه تنظیم شده بر ضد انقلاب اسلامی و زمینه سازی برای تسلط مجدد یگانگان میدانیم.»

«ما هر کسی، در هر مقام که بخواد مسیر انقلاب ما را از خط رهبر، که همان خط امامان معصوم است، جدا کرده و به انحراف و در نهایت به وابستگی بکشاند، قاطعانه در مقابل او ایستادگی خواهیم کرد.»

حجت الاسلام دکتر خاتمی در مصاحبه مطبوعاتی در لندن اعلام کرد:

تجاوز عراق به ایران حلقه ای از زنجیر تجاوزات امریکای ناپودی انقلاب ایران است

ارتش ایران بودند برای سرکوب حرکت های آزادیخواهانه در منطقه، کارشناسانی که سربازان ما را وادار می کردند، بدون این که خودشان در امور دخالت داشته باشند، مجری سیاست های توسعه طلب در منطقه باشند. ما و ارتشمان که در اشغال امریکا بود. در اثر این انقلاب آزاد شدیم. از بعد از کودتای ۱۳۳۲ یکسره فرمانروائی بسر بقیه در صفحه ۷

تجاوزات امریکا مدائیم که هدفش نابودی انقلاب اسلامی ایران است.»

حجت الاسلام خاتمی در مصاحبه ای با رادیو کلن در آلمان گفت: «ما سالهای متعددی منسلکت مان در اشغال نظامی امریکا بوده است. هزار کارشناس کارآمد امریکائی در کار سازمان دهی

حجت الاسلام سید محمدعلی خاتمی، نماینده مجلس شورای اسلامی و سرپرست جدید روزنامه کیهان، که در رأس هیئتی برای تشریح سیاست خارجی ایران و تجاوز رژیم صدام به خاک ایران به اروپا رفته است، در یک مصاحبه مطبوعاتی در لندن اعلام کرد: «این جنگ را حلقه ای از زنجیر

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

۷ رفیق هوادار توده ای در جبهه های جنگ شهید شدند

۷ هوادار حزب توده ایران در سنکراهی نبرد رویارو با دشمن متجاوز به شهادت رسیدند. رفق:

یعقوب هاشمی نیاء - درجبهه سوسنگرد
علی محمد بنی هارون - در جبهه خونین شهر
علی علیزاده - در جبهه خونین شهر
محمد کیوان - در جبهه خونین شهر
علی یکتا - در جبهه شلمجه
کیوان قارون - درجبهه شلمجه

هوادار حزب توده ایران بودند و بعنوان سرباز وظیفه در ارتش جمهوری اسلامی ایران خدمت می کردند.

رفقا روز ۹ مهر ماه ۵۹ به جبهه های نبرد فرستاده شدند، تا از همین انقلابی در برابر تجاوز

توطئه ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان با حمله به کتابفروشی وداروخانه شکل میگیرد!

گروهی ناشناس به کتابفروشی آرش در زاهدان و عده ای نیز به یکی از داروخانه های ایرانشهر حمله کردند و هر دو محل را به آتش کشیدند.

بر اساس اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان، در حالی که ضدانقلاب همه نیروی خود را برای آتش افروزی در این استان بسیج کرده است، روز ۲۶ آبانماه ۵۹ گروهی ناشناس در زاهدان بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

یک در آسمان: وقتی کودکان، سرمایه‌داری را رسوا میکنند

کودکان و نوجوانان تهران این روزها فرصت گرانقدری را دارند، تا یکی از هوشمندانه‌ترین فیلم‌های ساخته شده برای این گروه سنی را در سینما «سینه‌موله» تهران تماشا کنند. این فیلم، که «یک در آسمان» نام دارد، توسط فیلسازان متری ایتالیا ساخته شده و در آن نظامیگری، فریب توده‌ها، دانشمندی که دانش خود را در اختیار سرمایه گذاشته‌اند، و در نهایت نظام سرمایه‌داری، با استفاده از زیباترین زبان سینمایی رسوا شده‌است. رسواکنندگان این نظام چند کودک و نوجوان از خانواده‌های تپیدست هستند که بر بنیاد دنیای انسانی خود، جهان زیبایی را طلب می‌کنند، که در آن صلح حکمفرما باشد.

فیلم که در «شکل»، با استفاده از شیوه «رجعت بگذشته»، تمام خلاقیت و تفکر کودکان و نوجوانان تماشاگر را بکار می‌گیرد، در واقع بر پایه «تخیل» ساخته شده، تخیلی که خود از شریفترین آرمان انسان عصر ما سرچشمه می‌گیرد: طلب جهانی که در آن صلح حاکم باشد.

کارگردان فیلم که بر بنیاد جهان‌بینی علمی، فیلم خویش را ساخته و بین «تخیل» و «واقعیت» به ظرافت و هنرمندی تمام، رنگین-کمائی از عشق و ایثار آدمی بسته است، این صلح را، چنانکه شیوه روشنفکران بورژوازی است، به‌طور مجرد نمی‌بیند، او در صحنه پایانی

فیلم، این صلح را تنها در مبارزه برای نابودی سرمایه‌داری ممکن می‌شمارد.

فیلم با ظهور شیئی ناشناس بر آسمان دم آغاز میشود. و بدنبال آن، تمام اهرم‌های نظام سرمایه‌داری بحرکت درمی‌آید و نظامیان نماینده انحصارات بزرگ به‌بهانه‌حمله «روس‌ها» و تهاجم «دشمن‌بشر» حکومت نظامی برقرار می‌کنند و با جنجال و تبلیغات آماده سرکوب «دشمن» میشوند. در ارتباط با این سرکوب است که ژنرال فرمانده نظامیان، همه واقعیات، حتی محاسبات ماتیمنهای الکترونیکی را، که با «ذهنیت پیش ساخته» او در تناقض است، رد می‌کند و دستگاه پلیس حاکم در جست و جوی متحدان «دشمن» به همه خلق و حتی کودکان مظنون میشود. در اینجا دوربین به ستاد امنیت‌سزگ میکشد و پرونده‌های عظیم کسانی را که نظامیان آنها را «دشمنان جامعه» معرفی می‌کنند، نشان میدهد. اینها پرونده مبارزان راه‌صلح و ترقی‌راست. در حالیکه چند کودک فقیر از همان ابتدا واقعیت را کشف کرده‌اند، نظامیان آماده یورش وسیع به «دشمن» میشوند و درصحنه نهائی این یورش است که کارگردان، با هوشیاری تمام یک انقلابی، نشان میدهد که سر نبع تمام افکار و عملیات ژنرال در دست سرمایه‌داران است و حتی پادشاه، که دکمه شلیک را می‌فشارد نیز کسی‌چیز عامل سرمایه‌داران نیست. تلویزیون هم، که بروشنی تمام نقش

تحقیق‌کننده آن نشان داده میشود، وسیله‌ایست در خدمت نظام سرمایه‌داری.

صحنه پایانی هوشیارانه‌ترین قسمت فیلم است. چند کودک فقیر کشف کرده‌اند که دشمن خیالی سرمایه‌داران تنها یک «یک» است و این «یک» را نیز نوجوانی از تغییر ماهیت موشک‌آتمی پدرش ساخته است. در اینجا دوربین به گذشته برمی‌گردد و سرمایه‌دارانی را نشان میدهد که در پای یک موشک غول‌آسا، که آخرین دستاورد برای نابودی بشر است، جشن گرفته‌اند. نوجوانان، پس دانشمند مخترع این وسیله جهنمی، با استفاده از مکانیسم داخلی موشک یک دانه شیرینی بداخل آن می‌اندازد و موشک در پرواز خود به یک تبدیل میشود! اکنون سرمایه‌داران با انواع سلاح‌ها قصد از بین بردن آن را دارند و کودکان بدفاع از یک یک برخاسته‌اند. وسیله دفاعی آنها تنها خامه‌های گیک است. در نبردی که درمی‌گیرد، کودکان و نوجوانان، با گلوله‌های شیرینی خود سرمایه‌داران و تمام اعوان و انصار آنها را نابود می‌کنند و در حالیکه فیلم پایان میرسد، دو کودک از تماشاچیان می‌خواهند که در این پیروزی به آنها بیوفتند و به فتح جهان نو بروند.

فیلم «یک در آسمان»، علیرغم لطافت جدی که سانسور به آن زده است - و سانسور چنین فیلمی بکلی نامفهوم است - فیلم بسیار ارزشمندی برای همه، بویژه کودکان و نوجوانان انقلابی ایران است.

این آمریکا است...

بقیه از صفحه ۱

مایه تاسف و هم موجب تحیر است. یکی از نمونه‌های این اصرار ناروا، قسمتی از مطالبی است که در سرمقاله شماره ۹ آذرماه ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی» بیان شده است.

در این سرمقاله، برخی مطالب درست و منصفانه درباره «استراتژی جنگ خوزستان» نوشته شده، از رشادت و فداکاری مردم قهرمان ایران و نیروهای رزمنده ایران تجلیلی بحق بعمل آمده و برخی از مدعاهای پوچ رژیم صدام افشا و باطل گردیده است. در مقاله پدرستی نوشته شده است که:

«... در اینکه جنگ به تحریک و پشت گرمی آمریکا صورت وقوع یافته، جای تردیدی باقی نیست» و «لرد کارینگتن وزیر خارجه انگلیس نقش «مامای» این توله نامیون را بازی کرده...»

تمامیت ارضی ایرانت! و هم دولت اسلامی ایران» را «نمایندة مردم این سرزمین (ایران) می‌شناسد!» (روی عین نوشته‌های مقاله نامبرده تکیه کرده‌ایم).

در میان گردو خاک این سفسطه‌ها و مغلطه‌ها و مطالب خلاف واقع، آن حرف درستی هم که در آغاز مقاله در مورد هدف صدام درباره ایجاد «حکومت دست‌نشانده‌ای در ایران برپاست‌بختیار» نوشته شده و (حزب توده ایران ماه‌ها قبل این هدف آمریکا و صدام را فاش کرده و در نامه «مردم» هشدار داده بود)، بکلی بی‌ارزش میگردد. خواننده باید ساعتها باین افسانه نویسنده بیندیشد و بر مغز خود فشار بیاورد، تا پاسخ این سؤال را بیابد که: چگونه است آمریکا، که با تمام امکانات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی خود، از همان آغاز انقلاب تیشه بر ریشه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زده و توطئه‌ها، کودتاها و جنگهای داخلی و خارجی به این جمهوری تحمیل کرده و حالا هم میخواهد با جدا کردن قسمتی از ایران از قلمرو این جمهوری، حکومت دست‌نشانده‌ای برپاست بختیار در این قسمت برقرار کند، هم طرفدار تمامیت ارضی ایران است (!) و هم دولت اسلامی را نماینده مردم ایران میداند (!) ولی این «رقیب شمالی»، که با قدرت و اعتبار همه جانبه خود، از نخستین روزهای اوج جنبش انقلابی و پس از پیروزی انقلاب در ایران تا به امروز در قبال توطئه‌ها و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا، از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده، خیال «سرازیر شدن» به ایران را دارد؟

دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا، راندن امپریالیسم، استقرار ایران مستقل و آزاد و صلحدوست و طرفدار عدالت، کشور ما را از دست امپریالیسم بسرکردگی آمریکا بدر آورده و آنرا در صف کشورهای مستقل و آزاد جهان قرار داده است. آیا از این تحول و دگرگونی عظیم کی باید خرسند باشد و کی باید عزاداری کند؟ آیا اتحاد شوروی از بوجود آمدن یک دولت مستقل و آزاد و صلحدوست در همسایگی خود، بجای دولت منفور شاه، که زیر نظر دهها هزار مستشار و جاسوس آمریکائی، کشور ما را به خطرناکترین پایگاه ضد شوروی تبدیل کرده بود، باید ناراضی باشد؟ و آیا آمریکا، برعکس، می‌تواند یک چنین «ضایعه عظیمی» را تحمل کند؟

اینکه مولود انقلاب ایران جمهوری اسلامی است و اینکه اسلام انقلابی پرچم انقلاب بوده است، محصول فرهنگ و سنن و ویژگیهای تاریخی کشورماست و صرفا امر داخلی. خلق ما و خود کشورماست و صرفا به خود مبین ما مربوط است و بکس دیگری مربوط نمی‌شود. ولی آنچه اهمیت بین‌المللی دارد، و بدیگر کشورها و خلقها مربوط میشود، سیاست جهانی جمهوری اسلامی ایرانتست که بر مبنای صلح دوستی، دفاع از حقوق و استقلال و آزادی و مبارزات دیگر خلقهای اسیر جهان قرار دارد و این درست آنجیزی است که از سوتی مورد استقبال پرشور و مایه شادمانی همه نیروهای عدالت دوست و ضد امپریالیست و صلحخواه جهان از جمله و بویژه همسایه بزرگ شمالی ما و از سوی دیگر موجب کینه و خشم دامنشانه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا است. بر مبنای همین واقعیت است که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و به همدستی همه عمال صدامی و ساداتی و بکیتی و ضیاع‌الحقی و غیره اش در برابر این انقلاب و این جمهوری سنکر گرفته‌اند، ولی همه نیروهای عدالت دوست و ضد امپریالیست و متری جهان، از جمله و بویژه کشورهای سوسیالیستی، در پیستسر جمهوری اسلامی ایران بدفاع از این مولود انقلاب ایران ایستاده‌اند. این یگانه مرز-بندی علمی و واقعی را هیچکس نمی‌تواند انکار و یا مخدوش سازد.

پس از بیان این مطالب درست، نویسنده سرمقاله، یکباره از سراط‌المستقیم منطبق بدررفته و رو به گمراهه تئوری «ابر قدرت» نهاده و بناچار پای مغلطه و سفسطه بمیان آمده است.

طبق مدعای این نویسنده، «پیروزی سریع» صدام بر ایران «هدف آمریکا» بوده، ولی گویا «ادامه جنگ منافع بسیاری برای رقیب شمالی» آمریکا در بردارد! گویا کارتر، طرفدار (!) «حفظ تمامیت ارضی» ایران است و این بدان دلیل است که گویا خطر «سرازیر شدن احتمالی روسیه شوروی و خطر اجرای تقسیم کشور به دو منطقه نفوذ» و «اشغال مناطق بالای خط کرمانشاه به یزد» توسط «رقیب شمالی» وجود دارد!

معلوم نیست، جز نیت عمدی گمراه ساختن مردم و یا ناآگاهی، چه چیز دیگری نویسنده مقاله را به بافتن این همه آسمان و ریسمان مجبور کرده است؟

این مطالب در روزنامه انقلاب اسلامی در زمانی منتشر شده که، بنابه گفته رئیس‌جمهوری و رئیس مجلس کشورمان، شوروی به فرستاده عراق، که برای بدست آوردن اسلحه به آن کشور رفته، گفته است:

«ما این جنگ شما (علیه ایران) را بنفع امپریالیسم میدانیم و جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم به جنگی که علیه این جریان کار میکند، کمک کنیم.»

اسرار و پافتاری بر روی دروغها و اباطیل برای پوشاندن واقعیات از نظر مردم ایرانتست. واقعیت بی‌چون و چرا عبارت از اینست که، نه آمریکا طرفدار تمامیت ارضی ایران و معترف به جمهوری اسلامی است و نه «رقیب شمالی» خیال «سرازیر شدن» دارد.

واقعیت اینست که در ایران انقلاب عظیمی بدقوع پیوسته، که با سرنگون ساختن حکومت

این، امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا است که یک دوچین ضد انقلابی فراری از قبیل بختیار و اویسی و پالیزبان و رضایپلوی و اشرف‌پهلوی را کنار هم قطار کرده و میکوشد بدست صدام و دیگر دست‌نشانده‌گان خود در منطقه و ضد انقلاب داخلی، قسمتی از خاک ایران را از دست جمهوری اسلامی بدر آورد و در آنجایی که از آن خائنان منتظر-

آنچه به ما توده‌ایها مربوط میشود، اینست که: ما و نسلهای گذشته ما که قریب شصت سال در میان دریای از خون بهترین هم‌زمان و رفیقان راهمان، مزاحل بزرگی را پشت‌سر گذاشته، شاهد شکست‌ها و فجایع تاریخی بوده‌ایم و تجارب دردناک، ولی گرانبهائی آموخته‌ایم، قدر این انقلاب گرانقدر را بخوبی دانسته‌ایم و میدانیم و اکنون نظر قاطع داریم که پس از نیم قرن شکست و ناکامی، این انقلاب دیگر نباید مغلوب شود، بلکه باید حتما پیروز گردد و ما تا پای جان خود از همین انقلاب و همین جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهیم کرد. همه کسانی را هم که صدافتی در دل و آتشی در نهاد دارند، به همین راه دعوت می‌کنیم.

دشمن در...

بقیه از صفحه ۱

قهرمانانه یک نفر از برادران جانباز پاسدار بدرجه شهادت نائل آمد و چهار نفر دیگر نیز مجروح شدند.

۲- در تاریخ ۵۹/۹/۹ برادران پاسدار در منطقه دزفول، طی یک عملیات شیبخون به قلب دشمن در غرب رودخانه کرخه، موفق شدند ضمن به آتش کشیدن یک دستگاه خودروی بمبشون مزدور عراقی، بیش از ۳۰ تن از آنها را کشته و حدود چهل نفر را نیز مجروح کنند. طبق همین گزارش، یک دستگاه نفر بردشمن با سه سرنشین در زیر آتش موشک-

اندازه‌های بمبشون به نیروهای اسلام پیوستند.

۳- در تاریخ ۵۹/۹/۹ در گیلانغرب برادران پاسدار در یک حمله چریکی در کوههای مشرف به «تنگ حاجیان» توانستند ده نفر برادران بمبشون را کشته و زخمی کنند. پس از این تلفات سنگین، مزدوران بمبشون عراق مجبور به عقب‌نشینی شدند. در این عملیات چهار نفر از برادران بدرجه شهادت نائل آمدند.

۴- در تاریخ ۵۹/۹/۸ یک کامیون مهمات دشمن بر اثر برخورد با مینهایی که توسط برادران پاسدار در یکی از جبهه‌های جنوب کار گذاشته شده بود منفجر شد و با تمام سرنشینانش در آتش سوخت.

اطلاعه شماره ۲۲۴ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز بشرح زیر انتشار یافت:

«بسمه تعالی - بخشی از رویدادهای جبهه‌های رزم جنگ آوران دلاور ایران زمین با فریب خوردگان صدام تکریتی در تاریخ ۵۹/۹/۹ اعلام میشود:

۱- در درگیریهای نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران با قوای مزدور عراقی در منطقه «دارخوین» ۸ نفر از دشمنان اسلام کشته، ۴ نفر اسیر و تعدادی از آنها زخمی شدند. در این عملیات دو دستگاه نفربر مهمات و ۵

دستگاه نفربر نیز به غنیمت گرفته شد.

۲- در منطقه آبادان ۴ سنگر دشمن با کلیه نفرات آن منهدم شد و یک دستگاه تانک و یک دستگاه تانکر سوخت و یک دستگاه کامیون قوای دشمن به کلی نابود شد. در همین منطقه در محور آبادان - ماهشهر در جریان یک پیکار، هشت مزدور صدام به هلاکت رسیدند و سلاحها و مهماتی از دشمن بر جای ماند.

۳- درگیری در «خونین» ادامه داشت و بر اثر آتش توپخانه و خمپاره - اندازه‌های خودی ۳ دستگاه خودرو حامل نفر یک دستگاه خودرو حامل مهمات، ۲ مخزن سوخت و ۲ سنگر دشمن در این جبهه منهدم شد.

۴- در منطقه اهواز درجبهه «دب‌حردان» با تلاش نیروهای مستقر در این جبهه و پشتیبانی توپخانه، دشمن متجاوز ۳ کیلومتر وادار به عقب‌نشینی شد.

۵- بر اثر آتش رزمندگان زاندارمیری جمهوری اسلامی ایران بر روی تاسیسات نفتی «فاره» در دهانه خلیج فارس ۲ مخزن بزرگ نفت دشمن به آتش کشیده شد.

۶- توپخانه‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را در منطقه «ام‌ارصاص» عراق زیر آتش شدید قرار داده و خسارات زیادی به آنان وارد کردند و در منطقه «دکون‌الزین» عراق نیز یک تانکر مواد سوختی دشمن منفجر و به آتش کشیده شد.

منشأ اختلاف از کجاست؟

در وجود اختلاف نظرها، دیگر کسی تردید ارد. همه، وجود آنها را احساس می کنند و مظاهرها را می بینند. این اختلاف نظرها از کجا پیدا شده و منشأها چیست؟ باین سؤال پاسخهای گوناگون داده شود:

برخیها واژهها و اصطلاحات را مقصر می نند. میگویند این گناه اصطلاحات فرنگی است داخل زبان مانده و اندیشه های «اختلاف انگیز» هم با خود آورده است. مثلا، میگویند: اگر سلاطین «لیبرال» وارد زبان ما نمی شد، لیبرالها هم سبب پیدا نمی کردند و بوجود نمی آمدند تا در برابر آنها «خط امام» تبلور یابد و بوجود بیاید! طبق ن «منطق»، گویا اگر واژه «آپاندیسیت»، که یک لغت فرنگی است، وارد زبان ما نمی شد و در برابر آن هم کلمه «جراحی»، که یک واژه عربی است، وجود نمی آمد، دیگر نه روده کوری وجود داشت نه آلت جراحی و خود جراح شفا بخش!

برخی دیگر میگویند: منشأ اختلافات لقاء ایدئولوژی است. گویا این مارکسیست ها ستند که مفاهیم و مقولات «اختلاف انگیز» را تشریح میسازند و آنوقت این مفاهیم و مقولات در بان روحانیان مبارز هم «سرایت می کند» و آنها به مقابله با «آدمهای معتدل» می کشانند! گویا گرشخص دیگری به آدم تنه نکوید تو تنه ستی، او تنه بودن خودش را نخواهد فهمید!

برخی دیگر، یعنی «تربچه های بسوکه» و نویسندگان تازه مسلمان شده مستقیما به حزب رده ایران می تازند و مدعی میشوند که این حزب پایه ایدئولوژیک نفاق را در میان نیروهای اسلامی جا انداخته و «آنها را بدو دسته لیبرال و خط نامی تقسیم کرده». این دیگر صرف نظر از رنده سازی برای حزب توده ایران یک بیرونده نازی «تکفیر» علیه روحانیت مبارز است و کپی ن کاری است که مفتیان مقلد مصری و روسی به دستور سادات و شاه حسن و آمریکای نایتکار، روحانیت انقلابی و مبارز ایران را رس المجرس» (فارس آتش پرست) نام نهاده اند.

بخشی از مفسرین «اختلاف»، که ضد انقلابیون هیئت «تربچه بسوکه» اند و لذا حرجی بر آنها ست، دارند با این گردوخاکها ماموریت «سیاه» در زمینه نفاق افکنی میان روحانیت مبارز و روان سوسیالیسم علمی اجرا می کنند. ما را با ن واژگان کاری نیست.

ولی بخشی دیگر از مفسرین «اختلاف»، که بن تفسیرات خلاف واقع را عنوان می کنند، مدعی سل و دانستند، و با وجود این میخواهند، برخلاف سول علم، مدعی اثبات نشدنی را ثابت کنند که از این بابت متاسف هستیم، زیرا که از طرفداران لم و دانش جز برخورد علمی، چیز دیگری مقول ست.

پس منشأ واقعی اختلافات چیست و اختلاف چگونه بوجود می آید؟

اختلافات شخصی میان دو نفر، ممکن است سرشت صرفا ذهنی و عاطفی داشته باشند. ولی تفاوتات سیاسی و اجتماعی دارای خصلت طبقاتی ست. این اختلافات سیاسی و اجتماعی، اگر میان طبقات غیر متضاد باشد، که قابل حل و توافق ست و باید حل شود و به توافق اصولی برسد اند اختلاف نظر در میان طبقات و نیروهای که مدافع انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایرانند، می در طرق و شیوه های حفظ و پیشبرد انقلاب جمهوری گاهی با هم این و یا آن اختلاف نظر می جدی هم می توانند داشته باشند. اینگونه تفاوتات می تواند و باید در چارچوب اصول مورد اول همگان، که دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی استقلال واقعی کشور در قبال امپریالیسم، به ر کردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی ست، حل شود و به ایجاد جبهه متحد خلق با رکت همه طبقات و اقشار و نیروهای مدافع

* فرق بین خلق و ضد خلق، انقلاب و ضد انقلاب، بین نیروهای انقلابی و خلقی و راپاید پدرستی تشخیص داد.

● نیروهای انقلابی و خلقی باید در جبهه متحد خلق برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متحد شوند

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برسد. ولی اختلاف آشتی ناپذیر میان طبقات و نیروهای آشتی ناپذیر خصلت دیگری دارد. در این مورد، این طبقات متضاد واقعا موجود و مدفع آنهاست که در مقابل هم قرار میگیرند و نه تصورات «مصنوعی» و یا افکار «القائی» از خارج. درست است که بیرون سوسیالیسم علمی، بعلت برخورد علمی و درک علمی از جهان، این طبقات و منافع و تضاد میان آنها را بدقت و پدرستی تشخیص میدهند و با توضیح مطلب برای جامعه، پدرک درست مسائل اجتماعی یازی میسازند، ولی خود طبقات و منافع آنها و تضاد و تضاد میان این طبقات، اختراع و یا آفریده طرفداران سوسیالیسم علمی نیست و نمی تواند باشد، بلکه محصول رشد تاریخی جامعه است.

برای بی بردن بوجود طبقات متضاد در جامعه طبقاتی و تضاد منافع آنها، بویژه در دنیای امروز ما، لازم نیست که انسان حتما پیرو سوسیالیسم علمی باشد و یا به «القائ ایدئولوژی» از جانب مارکسیستها نیاز داشته باشد. فقط یک چشم باز و یک وجدان بیدار و یک شهادت انسانی لازم است تا انسان، در جامعه طبقاتی، گرکان و میستان را از هم تشخیص دهد.

مثلا در رژیم شاه ملعون، سرمایه داران بزرگ وابسته و کلان زمینداران و یا طبقات طاغوتی و مستکبر، در برابر طبقه کارگر و دهقان کم زمین و بی زمین یا توده های عظیم خلق مستضعف و محروم قرار گرفته بودند. در راس طبقات طاغوتی شاه ملعون قرار داشت و در راس توده های عظیم خلق مستضعف امام خمینی جای گرفت.

این دو جبهه متضاد، محصول رشد تاریخی جامعه ایران بود. آنها را حزب توده ایران و هیئت حزب و سازمان و گروه دیگری ایجاد نکرده بود و نمیتوانست بکنند. تضاد و تضاد میان این دو جبهه هم با محصول قوانین عینی و اجتناب ناپذیر همان رشد تاریخی بود و کسی آنها «القائ» نکرده بود و نمی توانست بکنند.

روحانیت مبارز، برهبری امام خمینی، که بر راس خلق مستضعف قرار گرفتند، اندیشه و محتوای اسلام واقعی انقلابی را کار پایه خود قرار دادند و نه چیز دیگری را. آنها اگر از یک سو مستکبران و طاغوتی ها و از سوی دیگر مستضعفان و محرومان را در جامعه تشخیص نمیدادند، یعنی با همان دید اسلام انقلابی، نیروهای حق و باطل را از هم نمی شناختند، آنوقت علیه کی و له کی مبارزه میکردند، کی را بسود کی سرتگون می ساختند؛ پس روحانیت مبارز برای این اقدام پر افتخار تاریخی خود نیازی به «القائ» نداشت.

لیبرالها، که پس از انقلاب از ترس عمق خصلت ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، از انقلاب «پشیمان» شدند و اینک به جاده صاف کن ضد انقلاب تبدیل شدند، در رژیم شاه ملعون، سرمایه داران بزرگ وابسته و کلان زمینداران و یا طبقات طاغوتی و مستکبر، در برابر طبقه کارگر و دهقان کم زمین و بی زمین یا توده های عظیم خلق مستضعف و محروم قرار گرفته بودند. در راس طبقات طاغوتی شاه ملعون قرار داشت و در راس توده های عظیم خلق مستضعف امام خمینی جای گرفت.

این دو جبهه متضاد، محصول رشد تاریخی جامعه ایران بود. آنها را حزب توده ایران و هیئت حزب و سازمان و گروه دیگری ایجاد نکرده بود و نمیتوانست بکنند. تضاد و تضاد میان این دو جبهه هم با محصول قوانین عینی و اجتناب ناپذیر همان رشد تاریخی بود و کسی آنها «القائ» نکرده بود و نمی توانست بکنند.

مردم می خواهند کلان زمین داری ملفی و زمینهای بزرگ مالکان میان دهقانان بی زمین و کم زمین تقسیم شود، ولی طرف مقابل، یعنی کلان زمین داران به انواع فشارها و تشبیهات مانع می تراشند. مردم میخواهند وابستگی در همه رشته ها از بیخ و بن نابود گردد، ولی طرف مقابل، یعنی سرمایه داران وابسته و کلان زمین داران، که از قدیم با انحصارات امپریالیستی پیوند دارند و به شراکت این انحصارات، ایران را چاییده اند، نمی توانند از این پیوند و وابستگی بکسند. مردم میخواهند نفت مملکت به یاد داده نشود و ارز مملکت برای آبادی مملکت مصرف شود، ولی طرف مقابل حتی تعطیل صرافی ها را، که یکی از کانالهای فرار ارز بود، تحمل نمی کند.

مردم طرفدار حل مسئله مسکن بسود بی مسکنانند، ولی طرف مقابل خواهان ادامه جریان معروف به «بساز و بفروش» است. و دهها مثال دیگر در زمینه سیاست داخلی و خارجی و مسائل اجتماعی و ملی و غیره، که مردم و ضد مردم در برابر هم مواضع آشتی ناپذیر گرفته اند.

آنوقت هر یک از این دو طرف، برای اثبات حقانیت خود، دلیل می آورند. مردم چون حق دارند، دلائلشان هم حق است، ولی طرف مقابل چون ناحق است، دلیلتش هم جز توسل به سفسطه و تحریف و افترا و شائتاز و احتمالا، تهدید و چماق، چیز دیگری نمی تواند باشد. در اینجا ست که لیبرالیسم با برعصه عمل میکند و سرکردگی یک سمت، سمت ناحق را بعصه میگیرد و برای دفاع از طبقه و اقشار و مناسباتی که تاریخ حکم زوال آنها را صادر کرده، با تمام زرادخانه اش در مقابل حق و عدالت قدعلم می کند و از اینجا نیز بقیه جریان ناشی میگردد.

«اختلاف» اینگونه بروز میکند. عمل آذن که حزب توده ایران را به «القائ ایدئولوژی» و «ایجاد اختلاف» و غیره متهم میسازند، بدان می ماند که کسی پزشک را، بدان علت که میدانند معده جزء جهاز گوارش و ریه جزء جهاز تنفس است، مقصر هضم و جذب و یا علت پیدایش تنفس بدانند! آری، «اختلاف» موجود نیز سرشت طبقاتی دارد و لبرد - لبرد طبقات است. همانطور که در بالا هم اشاره شد، باید دانست که اختلافات (درست تر بگوئیم تضادهای) آشتی ناپذیر میان خلق و امپریالیسم، میان خلق و طبقات ضد خلق (یعنی سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری)، میان خلق و نمایندگان سیاسی و ایدئولوژیک این طبقات، میان خلق استقلال طلب و دشمنان استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی ایران آشتی ناپذیر نیست. اگر چنین آشتی ممکن بود، شاه ملعون را با سیل خون ۷۰ هزار شهید از عرصه تاریخ نمی رویبندند. ولی اختلافات در درون خلق قابل حل است، قابل توافق اصولی است و باید حل شود و باید به توافق اصولی و انسجام خلق برسد.

راه حل اینگونه اختلافات نیز اینست که: اولاً همه کسانی که واقعا طرفدار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی هستند و معنای واقعی این شعار را می فهمند و به آن اعتقاد دارند، حساب خود را از منافع طبقات ضد خلق، یعنی سرمایه داری وابسته و کلان زمین داری جدا سازند و با قاطعیت و بدون نوسان به «واضع و منافع خلق» پیوندند؛ ثانیاً همه آنها با صدق و صفا در یک جبهه متحد خلق تحت رهبری امام خمینی برای حفظ، تعمق و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران متحد شوند؛ ثالثاً آنها هم که بر سر مواضع غلط خود میمانند و با قساری می کنند، از توسل به شیوه های غیر اصولی و غیر انسانی و غیر اخلاقی احتراز کنند.

ایدواریم این توضیحات صمیمانه ما به روشنتر شدن دوستان انقلاب و رسوات و منفردی شدن دشمنان انقلاب کمک کند.

مردم ایران می خواهند بخش دوتای و تعاونی، بر اقتصاد کشور مسلط شود، ولی طرف مقابل، یعنی سرمایه داری وابسته، بخاطر منافع کلان خود می کوشد جلوی این کار را بگیرد.

مردم میخواهند بزرگان خارجی ملی شود و توزیع عمده در دست دولت متمرکز شود و دست دلان و محتکران از گریبان آنها کوتاه شود، ولی طرف مقابل میکوشد جلوی این کار را سد کند.

پیروزیهای حزب کمونیست در سان مارینو

اجتماعی این کهن ترین جمهوری جهان تدوین یافته است. این اصول در برنامه دولت چپ کنونی نیز راه پیدا کرده است. ما موفقیت های کنونی کمونیست های سان مارینو را به حزب برادر شادباش می گوئیم و پیروزیهای هر چه بیشتر آنها را در رهبری کشور بسود زحمتکشان سان مارینو خواستاریم.

دمکرات های مسیحی گرفتند، اینک پریمو مارانی (کمونیست) و پیترو چاروزی (سوسیالیست) مشترکا نخست وزیر سان مارینو هستند. حزب کمونیست سان مارینو، بر رهبری اومبرتو پارولی، از نظر کمی، دومین حزب سیاسی سان مارینو و بزرگترین سازمان چپ

مارینو رای دادند. این رقم تقریبا ۲ درصد بیشتر از انتخابات همگانی دو سال پیش بود. در انتخابات همگانی نامبرده کمونیست ها، سوسیالیست ها و سوسیالیست های متحد، از ۶۰ کرسی پارلمانی (شورای عمومی)، ۳۱ کرسی را در اختیار خود در آوردند و زمام حکومت را از ستایش یاد می شود. حزب کمونیست سان مارینو، که ۳۹ سال پیش تاسیس یافت، در انتخابات محلی آن کشور در تابستان امسال - همراه با دیگر نیروهای چپ سان مارینو - به موفقیت چشمگیری نایل گردید. در این انتخابات ۲۵۰۵۵ درصد مردم به حزب کمونیست سان

سان مارینو جمهوری مستقلی است که در ایتالیا قرار دارد. حزب کمونیست سان مارینو در روزهای ۱۷-۱۴ آذرماه ۱۳۵۹ دهمین کنفره خود را برگزار خواهد کرد. در یکی از اسنادی که در تدارک این کنفره تدوین شده، حزب کمونیست سان مارینو از دولت آن کشور میخواهد که سیاست بی طرفی خود را ادامه دهد. در این سند همچنین از سیاست صلح کشورهای سوسیالیستی یا

کارگران شیشه‌گر: آدم تازه است باید با آمریکا بجنگد!

زندگی کارگران شیشه‌گر در کارگاهها به تباهی کشید می شود

"عراق به سنجایی مسالمتی نیست، ولی الان از این صدام آمریکا و اسرائیل و نوسادار حمایت می‌کنند. ولی ما همه‌شان را سگس می‌دهیم. من هر وقت بخواهند، حاضریم بجبهه بروم و از انقلاب، انقلابی که مال ما زحمتکار است، دفاع کنم."

و بابا علی اکبر می‌گوید:
"دهها سال است این خارجی‌ها دارند ما را استعمار می‌کنند. تا قبل از جنگ جهانی دوم

سال است جلوی کوره‌های گرمخانه‌ها، که بین از هشتصد درجه‌حرارت دارند، عرق می‌ریزم و دود می‌خورم. آدمی به سن و سال من بسده سختی می‌تواند جلوی این کوره‌ها نفس بکشد. صبح تا غروب باید جلوی این کوره‌ها بایستم و کار کنم. برای من این کار فوق‌العاده سنگین است و کارفرما در پایان روز فقط به من صد تومان دستمزد می‌دهد. اعتراض هم که می‌کنم، می‌گوید: "من به فلان بجه که این همه کاری- کند، روزی ۳۰ تومان می‌دهم. حالا به‌توروزی صد تومان می‌دهم، از سرب هم زیاد است. اگر نمی‌خواهی، از اینجا برو." درباره بیمه می‌گوید:

در میران حوادث می‌آید، ربراً دائماً شیشه‌های مداب یا سرعت زیادی به این‌طرف و آن‌طرف حمل می‌شوند و هر آن امکان برخورد کارگران با یکدیگر و وقوع یک فاجعه وجود دارد، بویژه در اواخر کار روزانه، که کارگران عیلت سنگینی کار رمفی در بدن ندارند. با چند تن از کارگران کارگاه به گفتگو می‌نشینم. تا با مشکلاتشان از نزدیک آشنا سویم. آقا رستم، کارگر حبل و دوساله، می‌گوید:
"من الان ۱۶ سال است مشغول این کار هستم. از صبح تا غروب جلوی این کوره‌ها عرق می‌ریزم. ولی فقط هفته‌ای شصت‌تومان مزد می‌گیرم. بس از ۱۶ سال کار و زحمت، هنوز یک ریال هم پسان‌انداز ندارم. آخر با این قیمت‌ها و این دستمزد کم چطور می‌توانم زن و بچهارم را اداره کنم؟"

آقا رستم در مورد سختی‌ها و خطرات ناشی از کار می‌گوید:
"یکی از کارگران اینجا سالیان درازی‌این حرفه را دنبال کرده است، حتی بیشتر از من. اسمش عباسعلی و کارش انباری‌سازی است. او و مدتهاست کار کرده است، برای اینکه دائماً باید در این نیشه بدمد و این کار به برده‌های‌گوش آسب رسانده است. من مدت‌هاست از کمر درد و پادرد رنج می‌برم، چون کار خیلی سخت است و ما از صبح تا غروب سرپا ایستاده‌ایم. اگر یکروز هم بخواهم استراحت کنم و یا دکتر بروم، از پول خیری نیست و زن و بچه‌هایم بایسد آن‌روزها گرسنگی بکشند."

آقا رستم همچنین اضافه می‌کند:
"این کار آخر و عاقبت ندارد. این کارفرماها هم، تا بیر می‌سوی، اخراجت می‌کنند و می‌گویند: برو گدایی کنی بول در بیاور. آخر شیشه‌گری هم شد کار!"
با یکی دیگر از کارگران به نام علی، که مشغول صحانه‌خوردن است، به گفتگو نشستیم. او ۲۰ سال دارد. می‌گوید:

"این هم از صحانه‌مان! هنوز لقمه از گلوبان پائین نرفته، کارفرما داد می‌زند، بلند شوید کار کنید." علی درباره کارش چنین توضیح می‌دهد:
"دود ناشی از سوختن نفت سیاه آدم را گیج و بعد از مدتی مریض می‌کند. گذشته از این، دمای این کوره‌ها به ۱۵۰۰ درجه می‌رسد و تابستان‌های اینجا را مثل جهنم می‌کند. من از کودکی مشغول این کار بوده‌ام و اگر مجبور نبودم، یک لحظه هم این کار را ادامه نمی‌دادم. حیث از جوانی آدم که با این کار هدر می‌رود. در حالیکه ما اینجا روز بروز تحلیل‌ش می‌رویم، کارفرماها از کارکرد ما بولدار می‌سوند. دولت هم ما را فراموش کرده است. در نتیجه هیچ‌کس نیست بر کار این کارفرماها نظارت داشته باشد و حق ما را از آنها بگیرد. آنها هم هر کاری دلشان بخواهد با ما می‌کنند."

می‌پرسیم: مگر سندی دارید؟ درحالی که سرس را با تاسف نگاه می‌دهد، می‌گوید:
"سندیکا داریم، ولی با نگرفته است، کویا اصلاً وجود ندارد."

در مورد شرایط بعد از انقلاب می‌گوید:
"من قبلاً در یکی دیگر از کارگاهها کار می‌کردم. بعد از انقلاب ۳۰ تومان به دستمزد من اضافه شد، ولی در اینجا دستمزدها بسعد از انقلاب هیچ فرقی نکرده است."
درباره خواستهای از دولت می‌گوید:
"یک‌خواست من از دولت، کار با شرایط بهتر است. و دیگر اینکه شیشه‌گری متأسفانه در ایران فراموش شده است، در حالیکه درکشورهای دیگر به آن خیلی اهمیت می‌دهند. این کارفرماها هم آنقدر به کارگران سخت می‌گیرند که هیچ‌کس سراغ این کار نمی‌آید. در نتیجه شیشه‌گری رو به مرگ است. من از دولت خواهش می‌کنم اجازه ندهد کار شیشه‌گری از بین برود." اکبر، یکی دیگر از کارگران، که ۱۶ سال دارد، می‌گوید:

"من فکر نمی‌کنم کاری از این بدتر و سخت‌تر وجود داشته باشد. از صبح‌زود تا نزدیکیهای غروب کار می‌کنیم و زحمت می‌کشیم، آنوقت سودش را کارفرماها می‌برند. اعتراض هم که می‌کنیم، اخراجمان می‌کنند."

در مورد بیمه می‌گوید:
"اینجا هیچ کس بیمه نیست." اکبر انتظاری از دولت انقلاب‌نار دارد. تنها یک آرزو دارد:
"من مجبور شدم ازبچگی کارکنم و تا کلاس دوم دبیرستان بیشتر درس خوانده‌ام و بزرگترین آرزوی من این است که یکروز بتوانم درس را ادامه بدهم و به دانشگاه بروم."
بابا علی اکبر، مشغول گرمخانه، ۶۲ سال دارد. اندامش نحیف و استخوانی است، می‌گوید:
"اینجا همه به من می‌گویند بابا. من ۴۶

در تهران چندین کارگاه شیشه‌گری وجود دارد که صدها کارگر محروم میهن‌مان در آنها مشغول بناستند. کارگاه شیشه‌گری استاد محمد یکی از این کارگاههاست. برای اطلاع از وضع کارگران با آنها به گفتگو می‌نشینیم.
در این کارگاه کارگران به ساختن "گلدان" و "سینه‌طیاس" مشغول هستند و روزانه بیش از سصد عدد از آنها را تولید می‌کنند. هر "گلدان" و یا "سینه‌طیاس" ساخته شده، از چند مرحله عبور می‌کند. ابتدا خرده‌سینه‌ها را الگ و مواد زائد آنها را جدا می‌کنند. سپس خرده‌سینه‌ها را داخل کوره‌های دوب، که دمای آن ۱۵۰۰ درجه حرارت دارد، می‌ریزند. سوخت کوره‌ها نفت سیاه است. پس از حرارت دیدن و دوب شدن سینه‌ها "انباری‌ساز"، "فالتیر"، "آربریز" و "تاندنه" شکل دلخواه را به نیشه مداب می‌دهند. تارهای بیانی انجام می‌گیرد و سینه‌ها آنرا به داخل "گرمخانه"، که حدود ۸۰۰ درجه حرارت دارد، حمل می‌شوند و کارگری در خارج از گرمخانه، به کمک ملد، بلدی که در

گمی دستمزد، عدم برخورداری از بیمه و بازنشستگی و نبودن در پناه قانون درد اولیه این کارگران است

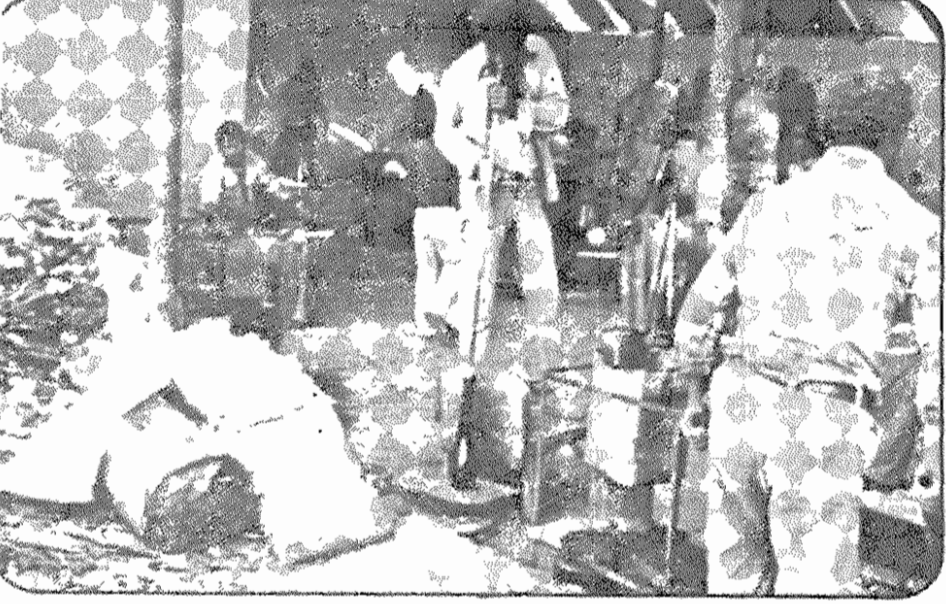
احسار دارد. سینه‌های طیاس و گلدان‌ها را به ترتیب روی هم قرار می‌دهد، تا بتدریج سرد شوند. سراجام آنها را از گرمخانه خارج و به بازار عرضه می‌کند.
در کارگاه استاد محمد حدود ۲۵ کارگر، از کودکان ده دوازده ساله گرفته تا سیزده ساله و از ایرانی گرفته تا انگلاندی، به کار سخت و طاقت‌فرسای شیشه‌گری مشغول هستند.
فضای کارگاه انبساطه از دود حاصل از سوختن نفت سیاه است، که آسان را دچار سردرد می‌کند و تنفس را مشکل می‌سازد. کارگران مجبورند در حسین شرایطی روزی هشت ساعت در مقابل سرمای کوره‌هایی که سینه‌ها ۱۵۰۰ درجه حرارت دارند، عرق بریزند و کار کنند.
کار کارگران حدود ساعت هفت صبح آغاز می‌شود و تا ساعت ۹ بیکسره ادامه می‌یابد. در ساعت ۹ کارگران بترجیح وقت دارند، تا چند لقمه نان و سیر به عنوان صبحانه بخورند، ولی عطل‌سراسر از ده دقیقه می‌توانند برای صبحانه وقت صرف کنند. از یکساعت و نیم تا چهار ساعت کارگران فقط ۴۰ دقیقه استفاده می‌کنند و سراسر آن کار تا ساعت ۵ بعد از ظهر ادامه می‌دهند.



این کودکان بجای کار کردن باید تحصیل کنند

دستمزد کارگران نیر سته به دسوازی کار آنها بین سی تا صد تومان در روز متغیر است. البته در این میان کودکان، هر قدر هم که کار-سان سخت و سنگین باشد، بیس از سی تومان مزد نمی‌گیرند.
درمان کارگران استاد محمد، به سکلادسی و چهار تا سیکه بزرگ ده دوازده ساله نیر سته جسم می‌جویند. کارگران سکلادسی معمولاً سمحت‌ترین کارها را انجام می‌دهند و به علت کمبود کارگر، مجبورند کار دو تا سه نفر را انجام بدهند.

در این کارگاه هیچ‌کس وسایل ایمنی و بهداشتی (حتی یک دستبندی مناسب) برای کارگران وجود ندارد. بویژه در جنین‌شرایط خطرناکی که میهنمان مورد بیورس وحشیانه رژیم خائن صدام حسین قرار گرفته است، کارگران نمی‌توانند از جمله هوایی مطلع شوند. فضای کوچک کارگاه، بانوحه به بعد ادستباریاد کارگران



ما اینجا روز بروز تحلیل می‌رویم و کارفرماها در نتیجه کار ما بولدار می‌شوند

انگلیسی‌ها و بعد از جنگ بیز آمریکا بیبا. تمام بدبختیهای ما از این آمریکائیهاست و اسمش صدام، که الان به انقلاب ما حمله می‌کند، بوکر آمریکاست. من الان دو سرم در جبهه‌هستد، ولی خودم را به علب سن زیادم قبول نمی‌کنم، وگرنه خیلی مایلیم با این صدام سجنم واز میهن و انقلاب دفاع کنم. آدم تا زنده است باید با آمریکا و مزدورانش مبارزه کند."

شرایط اسفند کارخانه‌ها، که سانسو صعب سستی ایران هستند، بسیار افسانگیر و سانسامان است. از کودکان گرفته تا افراد مسن بدون کمترین امکانات رفاهی، در این کارگاه‌ها و در کنار کوره‌های بحرارت و حرارت‌آز، به سستی و ناهمی کشده می‌سوند.
کودکان در این سسین باید تحصیل کنند، ندریح‌داسته ساسد و سبامورسد تا نوسا صحامعده آمده را هرچه بهتر به سود مردم سبازرند. در حالیکه این کودکان بعلت فقر محسورند از اولسین ساعات روز تا عصر، با سای بزرگسالان، بسا جعومی ناخر کار کنند. آنها سن از کار سگسین حسسته‌کنسد و طابفسرا، امکان مطالعه، آمورس، فعالسهای اجتماعی و حتی اسسراحت سدارسد. افراد مس نیر علیرغم سن زیاد و سانسستی توان لارم برای کار و به علب فقر سدید و احرا سندن قانون‌کار در این کارخانه‌ها، مجبورند تا پایان عمر کار کنند.
با ایسحال این کارگران، علیرغم کمودعا و سانسسهای رسدگسنان، اعلام می‌کنسد که حاسرید برای دفاع از انقلاب و حفص دستاوردهای آن جانبازی کنند.

سجاست که مقامات مسشول تدابیر لارم را جهت تدارک رسدنس بهتر برای این افسراد اتحاد کنند. تدابیری حوس:
- حلویگیری از کارگودکان. باید درکار- ناههای بررت و تحک از کار گودکان حلویگیری کرد و شرایط مناسب برای تحسصل آسهارا فراهم آورد. باید کارفرماهای متخلف را به سدید- تریس وحشی مورد بازحواست و محازات فسرا ر داد.
- باید برای همه کارگران و زحمسکسان سالخورده سن بازنسسنسستی تصیس شود. قانون بارنسسنسستی باید شامل حال اینگونه کارخانه‌ها شود. این قانون باید به تمام کارخانه‌ها ابلاغ شود و اجباری آن تصیس گردد.
- باید برای کارگران وقت اسسراحت، هنگام صرف غذا داده شود و از تارهای غیر- قانونی و سواسفاده‌های کارفرماها جلوگیری بعمل آید.
در یک گلام، مقامات مسشول باید قانون کار را شامل حال اینگونه کارخانه‌ها کنند و بسا فاطعبت لارم کارفرماها را مجبور به اجسرای این قوانین و برداخت حقوق قانونی کارگرا ن کنند.

"در کارگاه قبلی که کار می‌کردم، بیمه بودم، ولی اینجا نه. ما موران بیمه سالی بیکار به اینجا سری می‌زنند و بعد هم دیگری طرفها نمی‌آیند، و همین بیکار هم که می‌آیند، کاری برای ما انجام نمی‌دهند. در اینجا از باز- نشستگی خبری نیست، کارگر باید تا لب کور کار کند."
در مورد انتظارس از دولت می‌گوید:
"تنها انتظار من از دولت این است که یکطرفه را بفرسد اینجا، سری به ما بزند و به درد دل ما هم رسیدیگی کند. زمان طاعسوت کسی به فکر ما نبسد. لااقل حالا کسی باید به فکر ما باشد. مگر انقلاب مال ما زحمتکشسان نیست؟ مگر ما نبودیم که خون دادیم؟ باید به وضع ما رسیدیگی کنند."

ساید مسکلت‌ترین کار در این کارگاه، خارج کردن سسسه‌های "طیاس" و "گلدان‌ها" از گرمخانه باشد. محیط ننگ و تاریک گرمخانه، بسا ایسکه کوره آن از روز قبل سن از ناپایان کار خاموس شده، هنوز بین ۱۷۰ درجه حرارت دارد و انسان قادر نیسد بیس از سه یا چهار دقیقه در آن دوام بیاورد. کارفرما، از آسحا که هیچکس مایل به این کار نیسد، گودکان را وادار به این کار می‌کند.

علی، کارگر ۱۲ ساله این کارگاه، مسشول خالی کردن گرمخانه است. بیس از چند لحظه نیسد به از گرمخانه خارج شده اس. جهره‌اس براورخته و خیس عرق اس. در حالی‌که نفس هوز به علت محیط خفه گرمخانه عادی سسده اس، بریده بریده در مورد گرمای گرمخانه می‌گوید:

"نمی‌دانم، ساید به ۱۵۰ درجه برسسد. کار من در گرمخانه نیسد، ولی کارفرما مرا بزور به آنجا می‌فرسند." تدابیری حوس:

- حلویگیری از کارگودکان. باید درکار- ناههای بررت و تحک از کار گودکان حلویگیری کرد و شرایط مناسب برای تحسصل آسهارا فراهم آورد. باید کارفرماهای متخلف را به سدید- تریس وحشی مورد بازحواست و محازات فسرا ر داد.
- باید برای همه کارگران و زحمسکسان سالخورده سن بازنسسنسستی تصیس شود. قانون بارنسسنسستی باید شامل حال اینگونه کارخانه‌ها شود. این قانون باید به تمام کارخانه‌ها ابلاغ شود و اجباری آن تصیس گردد.
- باید برای کارگران وقت اسسراحت، هنگام صرف غذا داده شود و از تارهای غیر- قانونی و سواسفاده‌های کارفرماها جلوگیری بعمل آید.
در یک گلام، مقامات مسشول باید قانون کار را شامل حال اینگونه کارخانه‌ها کنند و بسا فاطعبت لارم کارفرماها را مجبور به اجسرای این قوانین و برداخت حقوق قانونی کارگرا ن کنند.

حل مشکلات دهقانان برای تقویت جبهه و پیروزی در نبرد لازم است

دهقانان مادر همه دهات با بسیاری نابسامانی‌ها و مشکلات روبرو هستند، که ارتبه شوم نظام طاغوت است و آن‌ها را از نظر تولید و زندگی در ابتدائی‌ترین وضع نگاه داشته‌است. در شرایط حساس کنونی و مقابله مستقیم با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های مختلف آن، به‌ویژه تجاوز نظامی صدام، دهقانان همه نیروی خود را برای شرکت در سنگر و درکست‌زار به‌کار می‌برند، تا در لحظه حاضر از انقلاب خود دفاع کنند و بتوانند در آینده نابسامانی را از بین ببرند و آثار منحوس رژیم ملعون پهلوی را بزدا بپند.

اما برای پیروزی در سنگر و برای موفقیت در کشتزار لازم است که به‌طور هم‌زمان کوشید، تا برخی از نابسامانی‌ها از نظر وضع تولید و زندگی از بین برود و دهقانان برای جبهه و پشت‌جبهه هر چه وسیع‌تر بسیج شوند.

برای آگاهی مقامات مسئول محلی، برخی از خواست‌های دهقانان چند ده اطراف نهاوند را یادآوری می‌کنیم، تا با برآورده ساختن آن‌ها و نظایر آنها در دهات مختلف، زمینه برای تقویت جبهه هر چه بیشتر آماده شود:

روستای حسین‌آباد چوبک، یکی از حومه‌های شهرستان نهاوند و در استان همدان واقع است. جمعیت این روستا در حدود ۴۵ تا ۴۸ خانوار (۲۵۰-۲۵۵ نفر) است. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین این روستا پس از آغاز کار جهاد سازندگی در این روستا، خواستار رفع نابسامانی‌های بعد مانده از رژیم طاغوت شده‌اند. عمده‌ترین خواستی که از جانب دهقانان این روستا مطرح شده‌است، تأمین آب‌زراعی کافی و بهداشت، لوله‌کشی آب آشامیدنی و برق‌کشی از طرف جهاد سازندگی به روستا است.

روستای لیلی‌یادگار از توابع شهرستان نهاوند است. در این روستا ۱۵۰ خانوار و جمعاً ۱۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند.

نمودن امکانات اولیه زندگی در این روستا سال‌ها روستائیان مبارز این ده را رنج می‌داد. به همین جهت پس از انقلاب، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و خرده‌های این روستا، جهت دست‌یابی به خواست‌های اولیه خود، مانند تأمین بهداشت، آب‌لوله‌کشی، زدن سد برای آب‌زراعی طحلو رودخانه، به دفاعات مکرر سکایات روستا مقامات مسئول تسلیم داشتند. عافیت سکایات دهقانان به‌سر رسید و مقامات متعهد به خواست‌های آنان توجه کرده و مشغول رفع نابسامانی‌هایی که آریه ریم طاغوت است، شده‌اند. نهادهای انقلابی نفس‌آرنده‌های در این زمینه دارند.

روستای ده‌بوره با ۹۰۰ نفر جمعیت در ۵ کیلومتری شهرستان نهاوند قرار دارد. دهقانان این روستا یک سکایت‌نامه به مقامات مسئول تسلیم کرده‌اند و در آن خواستار: آب آشامیدنی و زراعی کافی، کود، وام کشاورزی، بدر و تراکتور و برق-کشی به روستا شده‌اند.

متأسفانه هنوز در جهت رفع خواست‌های این دهقانان در زمینه تولید و شرایط اولیه زندگی از جانب مقامات مسئول اقدامی نشده است. به‌علاوه، زمین در میان این دهقانان به طور عادلانه تقسیم نشده‌است و نبود امکانات کافی جهت دآمداری مانع گسترش دآمداری مسود.

دهقانان روستای گیان، از توابع شهرستان نهاوند، سابقه مبارزاتی سایان توحیدی قبل از انقلاب و علیه رمام داران دولت طاغوت دارند و بارها علیه ستمگری‌ها و برای تأمین خواست‌هایشان مبارزه کرده‌اند. اما کارگران ریم آریامهری، طبق ماهیت طاغوتی و طبقاتی خود، نمی‌خواستند حتی کوچک‌ترین باری را از دوش دهقانان بردارند. پس از سرنگونی رژیم آمریکایی ساه منصور، دهقانان برای تحکیم انقلاب و در جهت سکویابی آن مسائل و مشکلات خود را مطرح کردند، تا با رفع آنها بقایای رژیم گذشته از چهره روستا زدوده شود. در این مرحله نیز همه روستائیان، از دهقانان بی‌زمین تا دهقانان خرده‌ها، شرکت داشتند. دهقانان با حمایت از فعالیت جهاد سازندگی، خواستار کسیدن برق به این روستا شدند، که این نهاد انقلابی با خواست آنان موافقت کرد و شروع به عمل نمود.

فرزندان دلاور! عزیزان وطن! ای دلیرانی که با خون خود نهال انقلاب را بارور می‌کنید! افتخار ابدی بر شما باد!

ما پدران و مادران و خواهران شما در پشت جبهه، چون شما، با دشمن اهریمن صفت، با شیطان بزرگ - آمریکا و شیطان کوچک مزدور او صدام، در نبرد هستیم. پیکار ما در جبهه تولید در کشتزارها، زیر بمب‌های دشمن ادامه دارد. ما می‌کاریم و آنها می‌کشند. این راز زندگی ماست و راز پیروزی ما خواهد بود. ما همیشه کاشته‌ایم، همیشه کار کرده‌ایم و زمینها را بارور و گله‌ها را بزرگتر کرده‌ایم، اما دشمن همیشه خورده و برده‌است، نتیجه زحمت ما را گرفته و بما ظلم کرده است.

دشمن ما امریکا است. امروز با نوکرش صدام و فئودالهای ضد انقلابی و دیروز با نوکر داخلی اش شاه ملعون و باز با «فئودالهای» ایرانی! شما با این دشمن می‌جنگید. ما هم با این دشمن می‌جنگیم. چه بلاها که ما از خارج ندیده‌ایم، و چه ستم‌هایی که از داخل نکشیده‌ایم! ولی ما امیدواریم و مطمئن. ما به کار خود و به کشت خود تکیه می‌کنیم. حق با ماست و این راز پیروزی ماست. چون در ایران انقلابی، ما دیگر هشیار و متحد هستیم.

فرزندان عزیز! شیری که مادر تان بشما داده، حلال‌تان باد! شما در راه وطن و انقلاب و مستضعفان می‌جنگید و شهید می‌شوید و دشمن را شکست می‌دهید. شما در سنگرهای خود مستحکم و امیدوار باشید. فراموش نکنید که امام خمینی گفت:

«پیروزی از آن شماست.»

یک وجب از خاک ایران را به دشمن ندهید. اراضی مزروعی دهقانان خوزستان را از صدام پس بگیرید. با دهقانان اسیر عراقی نیز، که برادران ما هستند و زیر ظلم آمریکا و صدام قرار دارند، مهربانی کنید و حقایق را به آنها، که فریب خورده‌اند، بگوئید، تا آنها هم بدانند که دشمن اصلی امریکا است و شیطان

نامه‌ای از جانب دهقانان به پاسداران انقلابی و سربازان دلیر

(چکیده‌ای از آنچه
روستائیان ما می‌گویند و مینویسند)



ما در کشتزارها علیه صدام آمریکائی می‌جنگیم

بزرگ است. فرزندان گرامی! رزمندگان غیور! پاسداران انقلابی و سربازان دلیر! هنگامی که جنگ به پایان رسید و برگشتید، در زمین خودمان کشت خواهیم کرد. آن کار می‌کنند. محصول مال کسی است که زحمت کشیده. آنوقت دیگر از کشتن خبری نخواهد بود، و حرف‌های ما درباره کاشت و داشت و برداشت خواهد بود. شما جلوی دشمن خارجی را بگیرید، و ما نیز خصم داخلی، فئودالها را نابود می‌کنیم، تا جاودانه، کشتن بر کشتن چیره گردد. ما می‌دانیم که این دو وظیفه از هم جدا شدنی نیست. بهمین خاطر هم، چه در سنگر چه در کشتزار. خود را در حال نبرد می‌دانیم. بامیدآروزی که انقلاب ما پیروز و جمهوری اسلامی ایران شکوفا شود.

جوانان قهرمان وطن، ای مدافعان بزرگ ایران زمین! از یاد نبردید که در این پیکار، دل خلقی با شجاست و دعای خیر و امید مردم تمهیدست ایران پشت سر تان. بکوشید تا آرزوی توده‌های میهن انقلابی شما برآورده شود. امریکای جهان‌خوار ناکام گردد و صدام حسین خبیث شکست بخورد. ما نیز همیشه در فکر شما هستیم و برای محصول بیشتر، پفرمان امام خمینی جهاد می‌کنیم، تا کشور ما بی‌نیاز شود. همه ما از ته دل آروز می‌کنیم تا در فریاد میهن انقلابی ما، دیگر اثری از جنگ و خونریزی، ستم و نامردی نباشد و فرزندان روستائیان و شهرنشینان آزادانه، بدون ترس از امپریالیسم و شاهان و صدام‌ها و بزرگ مالکان ستمگر و سرمایه‌دارهای غارتگر، بکارند و بکوشند و ایرانی آباد و ایرانی آزاد بسازند، تا برای همیشه کوخ‌نشینان شهری و روستائی از دست شیطانهای کاخ‌نشین رهائی یابند.

سلامت باشید. چشم براه شما هستیم. پیشانی بلند و نورانی شما را می‌بوسیم. پیروز باشید!

دهقانان زحمتکش! دفاع از میهن و درهم شکستن توطئه امریکا بمعنای تولید بیشتر و کشت بیشتر نیز هست. یک وجب از زمین زراعی را بدون کشت نگذارید. بیل شما که بزمین فرو میرود سرنیزه‌ای است به قلب دشمن

با آمریکا دارد، چه بسا تحت تأثیر فشار آمریکا مشکلاتی را برای ما فراهم کند. راهی که میماند ترکیه است که آن راه هم از نظر خارجی و هم از نظر داخلی ممکن است تهدید به متوقف شدن بشود. توجه دارید که عراق بیشترین قسمت نفت ترکیه را تأمین می‌کند و الان با ازرگرگرفتن صدور نفت عراق به ترکیه و دادن کلیه احتیاجات ترکیه، روابط عراق با ترکیه در سطح خیلی بالا و خوبی است و ما نمی‌توانیم به راه ترکیه کاملاً مطمئن باشیم. با اینکه از آن راه جنس وارد ایران می‌شود و هیچ اشکالی هم ندارد، ولی ما چون در جنگیم، باید راه‌های متعددی برای ورود کالا، به ایران داشته باشیم. راه ترکیه الان خوب است، ولی ما راه بیشتر می‌خواهیم.

ناطق سپس افزود:

«راه آبی ما هم در خلیج فارس با توجه به جنگ و بنادر ما هم که بعضی مانند بندر خم مشهر تحت اشغال است و بعضی هم باز آن ایضاً لازم را برای وارد کردن کالا ندارد، این مسئله تأمین راه برای ورود کالا به نظر من از فوری‌ترین مسائل کشور است.»

پس از این توضیحات در مورد دوفوریتی بودن لایحه مزبور رای گیری به عمل آمد، که با اکثریت آراء به تصویب رسید.

آنگاه طرح ادغام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان بسیج ملی (مستضعفین) توسط موسوی بجنوردی مخیر کمیسیون امور دفاعی برای شور اول مطرح گردید.

(بعثت تراکم مطالب، مشروح مباحثات مجلس در این باره، در شماره آینده چاپ میشود)

در حاشیه مجلس

بلندگوی سلامتیان

هنگام مطرح شدن لایحه دوفوریتی ترانزیت ایران و شوروی، احمد سلامتیان خطاب به رئیس مجلس گفت: «چون این اولین قرارداد بین‌المللی است اعتبار و شرایط مجلس را در نظر بگیرید.»

در اینجا کیاووش، یکی از منشی‌های مجلس پاسخ داد: «آقای سلامتیان شما هم شرایط بیماران کشور را در نظر بگیرید.»

سلامتیان اعتراض کرد که شما از بلندگوی حرف می‌زنید، کیاووش در پاسخ گفت: «بلندگوی شما هم در سراسر ایران است.»

آزادی در میدان آزادی

شهرکی، یکی از نمایندگان، در جلسه دیروز از کبیور آزادی سخن می‌گفت، که فردوسی، یکی دیگر از نمایندگان، به او گفت: «دخ، بروید میدان آزادی!»

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

استمرار توطئه چینی آمریکا برای ما ثابت و مسلم است

آمریکا متوجه شده است که حمله عراق به ایران باشکست روبرو می‌شود
★ مجلس دوفوریتی بودن لایحه مربوط به ترانزیت ایران - شوروی را تصویب کرد

آنگاه لایحه مربوط به ترانزیت بین ایران و شوروی مطرح شد. این لایحه درباره قرارداد منعقد بین دفتر برنامه‌ریزی و هدایت ترابری وزارت راه و ترابری جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه کل انتقالی و بازرگانی ترانزیت شوروی درباره ترانزیت کالاهای تجاری بود.

پس از قرائت این لایحه، فتوره‌چیان نماینده وزارت راه در مورد لزوم دوفوریتی بودن آن توضیحاتی داد و از جمله گفت:

«به لحاظ اهمیت حمل و نقل کشور ما در حال حاضر، با موقعیت فعلی، نیازی هست که کالاهای ما از طریق اتحاد جماهیر شوروی به ایران، به صورت ترانزیت، برسد. با توجه به اینکه در حال حاضر کامیون‌هایی که برای ما بطور کلی از اروپا و سایر نقاط بار حمل می‌کردند، در حال حاضر با محاصره اقتصادی و مسائل خلیج فارس امکان حمل کالا ندارند، این قرارداد به امضاء رسیده است. استدلال ما برای دوفوریتی بودن این لایحه این است که کالاهای اساسی ما باید هر چه زودتر از یک راهی به ایران برسد. راهی هم جز این راه فعلاً وجود ندارد.»

آنگاه صلواتی، یکی از نمایندگان، در مخالفت با دوفوریتی بودن این لایحه سخن گفت و از جمله استدلال کرد که:

«مسئله در حدی نیست که فوری باشد... به اعتقاد من باید روی این جور قراردادها دقت بیشتری بشود.»

سپس محمدعلی هادی به‌عنوان موافق در این مورد صحبت کرد. او گفت:

«با توجه به اینکه ما اینک در محاصره اقتصادی و در جنگ هستیم و حتی تخم‌مرغ و دانه جوجه‌ها از خارج می‌آید، تا چه برسد به کالاهای دیگر و احتمالاً دارو، مواد سوختی و غیره، و راه‌هایی هم که به کشور داریم، یکی راه هوایی است، که بخاطر جنگ هیچ تأمین نمی‌دارد، دیگری راه زمینی ترکیه و پاکستان است، که از پاکستان هم کالاهای زیادی نمی‌توانیم بیاوریم و کالاهایی که از طریق اروپا می‌آید یا باید از طریق ترکیه یا شوروی بیاید و پاکستان هم با توجه به روابطی که

صبح زنگنه، دومین ناطق پیش از دستور جلسه دیروز، در آغاز سخنان خود به دوباره خوانی سوگند نمایندگان مجلس و برشماری وظایف آن‌ها پرداخت و سپس به جنایات آمریکا اشاره کرد و افزود:

«توطئه آمریکا يك اصل ثابت و مسلم برای همه ما است. به عبارت دیگر استمرار توطئه يك اصل مسلمی است. آنچه تغییر می‌کند روشهای آمریکاست. آمریکا سناریوهای بسیاری آماده اجرا دارد. و سناریوهای بعدی را وقتی به اجرا می‌گذارد که باسناریوی قبلی هماهنگ باشد. هر گاه که ناکامی توطئه اول برای آمریکا معلوم شد، سناریوی بعدی را بیدان می‌آورد و اجرا میکند. به عبارت دیگر آمریکا همیشه سناریوهای آماده برای اجرا کردن دارد.»

ناطق سپس به قرائت قسمتی از مقاله دکتر بنی‌صدر رئیس‌جمهور، تحت عنوان «فلج سیاسی در ارتباط با توطئه‌های آمریکا» پرداخت و افزود: «برای آنکه آمریکا مجدداً سلطه خود را بر ایران برقرار کند دوماً را باید از میان بردارد: ۱- از میان بردن رهبری امام ۴- وحدت مردم.»

وی اضافه کرد: «ما در تاریخ مختصر و غیرت-آموز بعد از انقلاب دیدیم که توطئه‌های آمریکا گوناگون بود. از به دوستی طلبیدن دولت وقت در ملاقات با پرژینسکی، تا توطئه طبعی، کودتای نافرجام، روش‌های گوناگون تضعیف مجلس، تضعیف دولت، کامل نکردن دولت، حمله‌های گوناگون به قوه قضائیه... حمله عراق که هنوز تمام نشده است، منتها آمریکا متوجه شده که این هم با شکست روبرو خواهد شد، لذا توطئه‌های دیگری را اجرا خواهد کرد.»

پس از سخنان زنگنه، مجلس وارد دستور شد. در این قسمت حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی، ضمن سخنانی به شصتمین سالروز شهادت میرزا-کوچک‌خان اشاره کرد. او گفت:

«مرحوم میرزا کوچک‌خان حق عظیمی برگردن مبارزات مسلحانه میهن ما دارد.»

رئیس مجلس سپس از جوانان کشور خواست درباره تاریخ مبارزات میرزا کوچک‌خان و مرحوم مدرسی مطالعه کنند.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان تأکید کرد که توطئه‌چینی آمریکا برای ما يك اصل ثابت و مسلم است، فقط شیوه‌های عمل آمریکا تغییر می‌کند.

در آغاز این جلسه، ابوسعیدی منوچهری، نماینده جیرفت، به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن گفت. نماینده جیرفت ضمن سخنان خود به وضع جنگ‌زدگانی که به جیرفت رفت‌اند و همچنین کشاورزی این منطقه پرداخت و از جمله اظهار داشت:

«اگر از نظر کشاورزی به جیرفت برسند، منطقه می‌تواند ۲۰ گندم موجود ایران را تأمین کند، ولی متأسفانه هیچگونه کمکی تاکنون نشده است.»

ناطق افزود:

«هلال‌احمر می‌تواند در زمینه اسکان و تغذیه جنگ‌زدگان فعالیت کند، ولی در زمینه آموزش آن‌ها نمی‌تواند کاری انجام دهد، و با توجه به تعداد دانش‌آموزان جیرفت، وجود ۵۰ هزار میهمان و تعداد دانش‌آموزان آنها، امکانات آموزشی بسیار محدود است. کتاب درسی در منطقه نیست و با کمبود دبیر روبرو هستیم. آموزش و پرورش باید سهمیه کتاب مناطق جنگ‌زده را به شهرهایی مانند جیرفت، که میزبان جنگ‌زدگان هستند، بفرستد.»

وی آنگاه خواستار توجه بیشتر دولت به وضع اردوگاه‌های جنگ‌زدگان شد.

پاکسازی

ناطق سپس به مسئله پاکسازی اشاره کرد و از دولت خواست که به وضع هیئت پاکسازی جیرفت رسیدگی کند او گفت:

«کسی که پرونده قتل دارد، کسی که فقط ۳ ماه در منطقه است... چطور می‌تواند پاکسازی باشد! اولیاء امور باید خود هیئت را پاکسازی کنند.»

نماینده جیرفت در ادامه سخنان خود به وضع کشاورزی جیرفت و استعدادهای طبیعی این منطقه پرداخت و خواستار توجه مقامات مسئول دولتی به آبیاری زمین‌های کشاورزی جیرفت شد. نبودن راه مناسب در جیرفت از جمله مسائل دیگری بود که نماینده این شهر به آن پرداخت. او همچنین گفت: «کشت و صنعت جیرفت بیش از ۱۴ هزار هکتار زمین دارد. صدها موتور آماده برای کشیدن آب در منطقه وجود دارد، اما از هیچکدام این‌ها استفاده نمی‌شود... در حالی که هزارها هکتار زمین در آنجا وجود دارد، هنوز ضوابط مشخصی در مورد مقدار زمین تحت تملک وجود ندارد.»

ابوسعیدی منوچهری، آنگاه به وضع دامداری سنتی منطقه پرداخت و خواستار بررسی امور دامداری منطقه شد. وی در پایان افزود:

«مالک انقلابی بودن مکتب است. نمی‌شود فقط با داشتن ریش انقلابی شد. خدا ما را از شر ریش‌های بعد از انقلاب حفظ کند.»

نقشه آمریکائی...

بقیه از صفحه ۱

خواهد چید، تمام نیرو و امکانات خود را بکار خواهد بست و پس از شکست تمام توطئه‌ها و تجاوزات غیرمستقیم، حتی احتمال دارد که به دیوانگی تجاوز نظامی مستقیم دست یازد. این احتمال را نیز هرگز نباید منتفی دانست. پس سخن فقط بر سر دردم شستن تهاجم آمریکائی صدامی و کسب پیروزی در این جنگ تحمیلی نیست. این پیروزی بدست خواهد آمد. سخن اصلی بر سر اینست که ما باید خود را برای نبردی درازمدت و حیاتی و ممانی با آمریکای جنایتکار آماده کنیم و از جنگی که اکنون امریکابه- وسیله صدام بر ما تحمیل کرده، همچون آزمایشتگاهی برای این آمادگی، به تمام و کمال و در تمام عرصه‌های نظامی، تسلیح خلق، اقتصادی، تحکیم پشت انقلاب آشکار و ماسک‌دار) تقویت قدرت معنوی و مادی مقاومت خلق و ... استفاده کنیم. حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی،

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه‌ای با روزنامه بیروتی السفير از جمله گفته‌اند: «ما در جنگ کنونی ثابت کرده‌ایم که شجاعت و قدرتی کمتر از مردم ویتنام نداریم و امریکای امروز نیز قدرتمندتر از زمان حضورش در ویتنام نیست.»

این سخن درستی است. ما هم شجاعت و قدرتی کمتر از مردم ویتنام نداریم، بدلیل اینکه ما هم مانند خلق ویتنام برای دفاع از استقلال خود، از انقلاب خود، کشور خود، در برابر متجاوز عادله می‌جنگیم. جنگ ما جنگی عادلانه در برابر تجاوزی ظالمانه و بربر-منشانه است. بنیه مقاومت ما نیز از بنیه مقاومت ویتنام کمتر نیست، بلکه بیشتر است. کشور پهناوری داریم با منابع ثروت عظیم، با جمعیتی فزون بر ۳۵ میلیون، که قدرت قیام یکپارچه خود را به هنگام سرنوشت کردن رژیم توانگر و سفاک طاغوت آزموده‌اند، با موقعیت جغرافیائی بهتر از ویتنام، با دوستانی در سطح بین‌المللی نظیر ویتنام، یعنی

جبهه عظیم کشورها و نیروهای ضدامپریالیستی جهان، که حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، و توانائی آن امروز به حدی است که در قیاس با آن، امپریالیسم، بسرکردگی امریکای و تمام داروخته رژیم‌های دست-نشانده‌اش، ناتوان‌تر از زمان تجاوزش در ویتنام است. بدینسان چند مسئله مطرح است، که هر کدام پاسخ مشخص دارد:

آیا جنگ تجاوزی آمریکائی-صدامی، که تاکنون در دسترس به هدف خود (براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران) شکست خورده است، می‌تواند برای مدتی دراز ادامه یابد؟ پاسخ مثبت است، چونکه این تجاوز غیر مستقیم امریکای و امریکای برای جاگیرگیری از شکست نظامی و نهائی صدام می-تواند قوای ذخیره منطقه‌ای خود، رژیم‌های دست‌نشانده خود در منطقه را وارد عمل کند. آیا در چنین حالتی شکست امریکای ممکن است؟ آری، ممکن است، و نه فقط ممکن، بلکه حتمی است، زیرا ما

در مقابل میتوانیم قوای ذخیره داخلی خود را وارد میدان کنیم و نیز از دوستان خود در صورت لزوم و بمقدار لازم از هر حیث کمک بگیریم.

آیا پس از این شکست، امریکای به تجاوز مستقیم متوسل خواهد شد؟

این احتمال منتفی نیست و باید آنرا منتفی دانست و باید برای مقابله با تحقق چنین احتمالی از هر حیث آماده شد.

آیا در صورت تجاوز مستقیم، امریکای شکست خواهد خورد؟ آری، شکست خواهد خورد، چونکه ما از خلق ویتنام کمتر نیستیم، و تناسب نیروها نیز در عرصه بین‌المللی از زمان جنگ ویتنام تاکنون بزیان امپریالیسم، بسرکردگی امریکای و بسودجبهه ضدامپریالیستی تغییر فاحش کرده است. امریکای نسبت به آن زمان قدرتمندتر نیست، بلکه ناتوانتر است و نیز موقعیت، نسبت به ویتنام از برخی جهات مساعدتر است.

پس ما جنگ درازمدتی با امریکای خواهیم داشت. ولی در این جنگ پیروزی قطعی نهائی

تجاوز عراق

بقیه از صفحه ۱

ایران در دست آمریکا و در دست همان مرکزی بود که آنها اسمش را سفارتخانه گذاشته بودند.»

حجت‌الاسلام خاتمی در همین مصاحبه به شرح توطئه‌ها و جنایات آمریکا بعد از پیروزی انقلاب پرداخت و گفت:

«بعد از پیروزی انقلاب، وقتی که ملت ما میخواست آزاد بشود و برای آزادی تلاش کردیم و خونهای فراوانی داده بود، باز هم آمریکا وارد صحنه شد و تصمیم گرفت این انقلاب را در لطفه خفه کند. توطئه‌های گوناگونی که در اطراف ایران شد و خرابکاریهای متعددی که بوسیله عوامل رژیم سابق در ایران انجام گرفت و حمله نظامی امریکای و بعد حمله نظامی عراق نمونه-

با ماست. انقلاب ما و خلق ما و جمهوری اسلامی ایران از راه ناهموار و پرسنگلاخی خواهند گذشت، ولی به رهبری امام خمینی، به پیروزی قطعی نهائی دست خواهد یافت.

هائی از طرح‌ها و نقشه‌های وسیعی است که برای نابودی انقلاب ما در نظر گرفته شده است.»

دکتر خاتمی در مصاحبه مطبوعاتی لندن نیز اعلام داشت: «مهمترین دلیل برای دخالت آمریکا در جنگ علیه ایران پشتیبانی رژیم‌های مرتجع و وابسته از عراق است، آواکس‌های عربستان مسلما در این جنگ فعالیت دارند و قطعاً این فعالیت‌ها به نفع ایران نیست.»

حجت‌الاسلام خاتمی افزود: «او، (عراق) خیال کرد که با روشی که اسرائیل در سال ۱۹۴۷ بکار برده بود، در دو سه روز اول کار ایران را یکسره میکند.»

دکتر خاتمی همچنین گفت: «هدف عراق جدا کردن منطقه خوزستان بود.»

حجت‌الاسلام خاتمی در این مصاحبه تصریح کرد که وضع جنگ به نفع ایران تغییر کرده و تا وقتی دشمن در خاک ماست و تجاوز ادامه دارد، ما بی‌بجوجه آتش‌بس را قبول نخواهیم کرد. دکتر خاتمی همچنین تصریح کرد که ایران با مقاومت خود امپریالیسم را، مایوس خواهد کرد.

مواضع اصولی کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین کنفرانس سران و تجمع رژیمهای وابسته کشورهای عربی را با شکست روبرو ساخت

بیشتر مرزبندی میان مواضع کشورهای مترقی و رژیمهای مرتجع، کشورهای مستقل و رژیمهای وابسته شوند. مواضع ضدامپریالیستی و دفاع از استقلال ملی از یکسو و مواضع وابستگی به امپریالیسم، تسلیم در برابر آن و دستکاری در توطئه ها و نقشه های تجاوزگرانه آن از سوی دیگر، اکنون آشکارا در برابر یکدیگر قرار گرفته اند.

روزنامه «البعث» ارگان حزب بعث سوریه در این مورد مینویسد: «اجلاس امان تنها در جهت منافع گروههای شرکت کننده در موافقت نامه های کمپ دیوید یعنی آمریکا، مصر و رژیم اشغالگر قدس می باشد.» و روزنامه «الثوره» چاپ سوریه، کنفرانس سران عرب در امان را توطئه ای علیه سازمان آزادیبخش فلسطین ارزیابی میکند. «الثوره» خطر نشان میکند: حضور حامیان موافقت نامه های کمپ دیوید در این کنفرانس که سلطان قابوس پادشاه عمان، زیادبارة رئیس جمهور سومالی و جعفر نمیری رهبر سودان از جمله آنها، ثابت میکند که اقدام کشورهای جبهه پایداری، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان در مورد تحریم این کنفرانس، اقدامی اصولی بوده است. «تشرین» روزنامه دیگر چاپ سوریه ضمن ارزیابی کنفرانس سران برخی از کشورهای عرب در امان این نکته را یادآور میشود که «دخلتیهای عرب در برابر تصمیمات و قطعنامه های ناقص حاکمیت و مغایر با آرمانهای آنان باشند ساکت نخواهند نشست.»

عدم شرکت کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان در کنفرانس سران عرب در امان و محکوم کردن این کنفرانس از جانب مقامات رسمی و محافل اجتماعی این کشورها، مویده این واقعیت است که یک جبهه ضدامپریالیستی پرتوان مرکب از رژیمهای خلقی و مستقل پیش از پیش در این منطقه انسجام میابد و با قاطعیت و پیگیری از مواضع خود در برابر نقشه های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و توطئه های رژیمهای ضد خلقی سرسپرده امپریالیسم جهانی دفاع مینمایند. پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی در کشور ما که ضربه سنگینی بر مواضع سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در این منطقه و بمقیاس جهانی وارد ساخت، موجب تغییر بنیادی تناسب نیروها و بفتح آزادی و استقلال و رهائی خلقهای این منطقه از سلطه نواستعماری امپریالیسم آمریکا گردید و مواضع کشورهای عضو جبهه پایداری و دیگر کشورهای مستقل ملی را در برابر توطئه و نقشه های تجاوزی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، استحکام بخشید. تعمیق و گسترش روابط همجانبی و همکاریها در همه زمینه ها میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادیبخش فلسطین گام مهمی در این جهت خواهد بود. دیدار موفقیت آمیز حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران از کشورهای الجزایر، لیبی، سوریه و لبنان و مذاکرات ایشان با رهبران این کشورها سر آغاز فصل نوینی در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای یاد شده است. این خود بدون تردید به استحکام هر چه بیشتر مواضع جمهوری اسلامی ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و عقیم گذاردن توطئه های تجاوزکارانه و مداخله گرانه آن مساعدت خواهد کرد. عدم شرکت کشورهای عضو جبهه پایداری در کنفرانس سران عرب که موجب ناکامی و شکست کنفرانس سران رژیمهای ضد خلقی و وابسته کشورهای عربی گردید نشانه ای از انسجام و بهم پیوستگی هر چه بیشتر جبهه کشورهای مستقل ملی و نیروهای ترقیخواه منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه است.

یازدهمین کنفرانس سران عرب با شرکت فقط ۱۵ کشور عربی: عربستان سعودی، اردن، عراق، مراکش، تونس، موریتانی، سومالی، یمن شمالی، جیبوتی، عمان، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و سودان در امان پایتخت اردن تشکیل گردید.

کشورهای عضو جبهه پایداری: سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دمکراتیک خلق یمن، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان این کنفرانس را تحریم نموده و از شرکت در آن امتناع ورزیدند. اتخاذ یک چنین تصمیم قاطع و اصولی از جانب کشورهای عضو جبهه پایداری در این کنفرانس مبتنی بر این واقعیت است که کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس که رژیمهای وابسته به امپریالیسم آمریکا بر آن حاکم اند بر حسب ماهیت ارتجاعی ضد خلقی و وابسته خود بدون تردید تمایل و قدرت آن را ندارند که چنان تصمیماتی اتخاذ کنند که در سمت منافع واقعی خلقهای عرب، قطع توطئه های امپریالیسم آمریکا و جلوگیری از نقشه های تجاوزگرانه و توسعه طلبانه دولت صهیونیستی اسرائیل باشد. سران رژیمهای ضد خلقی و وابسته ای از قبیل ملک خالد در عربستان سعودی، شاه حسین در اردن، سلطان قابوس در عمان، رژیم صدام حسین در عراق، زیادبارة در سومالی، شاه حسن در مراکش و دیگر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس خرید دستیاران امپریالیسم آمریکا، مجریان توطئه ها و نقشه های تجاوزی آن علیه کشورهای مستقل و جنبشهای رهائی بخش خلقهای این منطقه هستند.

رسانه های گروهی سوریه، ضمن محکوم کردن کنفرانس سران عرب و میزبان این کنفرانس ملک حسین پادشاه اردن، خطر نشان کردند که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس دست اندر کار تدارک توطئه ای علیه آرمان خلقهای عرب هستند و وحدت عرب را بازیچه دست ملک حسین و رونالد ریچمن رئیس جمهور آینده آمریکا قرار داده اند. کشورهای عضو جبهه که قاطعانه جانب نهضت آزادیبخش فلسطین را گرفته، علیه صهیونیسم و امپریالیسم میزنند این توطئه را محکوم میکنند. یکی از اهداف ملک حسین در این کنفرانس آن بود که رضایت سران کشورهای عرب را درباره ملاقات ماه ژانویه خود با ریگان جلب نماید. پیشنهاد چنین ملاقاتی، برای حدود یکماه دیگر، از جانب خود وی مطرح شده است.

رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم آمریکا با تشکیل این کنفرانس در نظر داشتند که با تزویر سران کشورهای عضو جبهه پایداری، سازمان آزادیبخش فلسطین و لبنان را به قبول شرکت در این کنفرانس، متقاعد سازند و بدینوسیله تضادهای اصولی موجود در میان کشورهای عربی را که از اختلاف در ماهیت رژیمهای حاکم بر کشورهای عربی و مواضع آنان نسبت به امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی تجاوزگر اسرائیل نشأت میگیرد، پرده پوشی و لوت نمایند. آنها میخواستند از این راه مانع مشخص شدن هر چه

توطئه ضد انقلاب...

بقیه از صفحه ۱
به کتابفروشی آرش حمله کردند. در این کتابفروشی، که بخشی از آن لوازم التحریر فروشی است، کتابها و نشریات مختلف، از جمله نشریات حزب توده ایران به فروش میرسند. مهاجمان بعد از زخمی کردن یکی از فروشندگان کتابفروشی، مقداری از کتابهای آن را آتش زدند و سپس در مغازه را قفل کردند و کلید آنرا همراه بردند.

در همین روز عده های ناشناس، یکی از دو داروخانه ایرانشهر را آتش زدند و سپس در شهر شایع کردند که چون صاحب



کوبا، گزارش خبرگزاریهای امپریالیستی را در مورد حضور نظامی این کشور در افغانستان، دروغی بی شرمانه خواند.

وزارت خارجه کوبا گزارش های رسانه های گروهی امپریالیستی را در این مورد که گویا سربازان کوبا در افغانستان حضور دارند، یک دروغ کثیف خواند. کوبا تاکید کرد که گزارش خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۸ نوامبر، که از قول «منابع آگاه» در اسلام آباد پاکستان اعلام کرده بود که سربازان کوبا در افغانستان حضور دارند، اتهام کثیفی است که هدف آن، ایجاد مانع در ایفای نقش کوبا، بعنوان یک کشور غیر متعصب، در حل و فصل اختلافات میان افغانستان و کشورهای همسایه است. همچنین هدف از انتشار این گزارشها تلاش برای برهم زدن کوششهای کوبا در خاتمه دادن به جنگ در خلیج فارس است. کوبا اعلام کرد که هیچ سرباز این کشور در افغانستان حضور ندارد و هر گونه گزارش در این باره تنها یک دروغ بی شرمانه است.

آبادان آشناس

درد ای مرز نام آور
ای آبادان
تو ای شهر غیور قهرمان پرور
تو ای دروازه پیروزی ایسران
که فخر و ثروت مائی
شکوه و شهرت مائی

ای آبادان آشناس
تو آن رزمندۀ مغرور والائی
که از دشمن نداری باک.
هر ایرانی که در دل عشق پر شور وطن دارد،
نفس در سینه، تا جان در بدن دارد،
در این رزم مقدس با تو همراه است
که ایرانی وطن خواه است
و ایران هیچگاه سر خم نکرده نزد خونخواران
پسا چنگیز و تیمور و هلاکوها به خود دیده است
ن دژ خیمان نترسیده است
به پنا استاده چون البرز و با جلاذ جنگیده است.
همیشه پرچمش بالا و بالا بوده آوازش
کنون پنگر به کرامت شاه و خونین شهر و اهوازش
به دیگر جبهه های گرم پیکارش
به شهر و روستاهای پرباشارش
به همکاری سنگرها
به سربازان جانبازش
به مردان و زنان زندگی سازش
که با نام وطن
مردانه می جنگند بادشمن.

ای آبادان
سرود فتح را سر کن
خروشان تر شو و آهنگ دیگر کن
پگو، ما دشمن جنگیم
پگو، ما عاشق آزادی و ایمان و فرهنگیم
ولی خصم تجاوزگر
اگر زین پیشتر
در سرزمین ما بریزد خون
شود مقبون.
به خشم آتشین مرد و زن سوگند
به نوزادان زخمی، نوجوانان به خون خفته
به آیین شهیدان وطن سوگند
که آخر نعش دشمن را
به خواری افکنیم از خاک خود بیرون.

ای آبادان
چراغ ساحل کارون!
بشارت آور از پیروزی ایران.

۲۸ مهر ۱۳۵۹

شماره ۷ دنیا ضمیمه نامه «مردم» انتشار یافت

سیل دهقانان ژنده پوش چینی بسوی پکن سر از زیر شده است

روزنامه های ژاپنی و از جمله روزنامه «مین ایچی» گزارشی داده اند که افزایش روزافزون مستندان و فقرا در شهرهای چین، نگرانی مقامهای این کشور را برانگیخته است. همچنین سیل دهقانانی که در جریان انقلاب فرهنگی مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند برای «گرفتن خسارت» بسوی پکن و دیگر شهرهای بزرگ چین سرازیر شده است. این روزنامه ژاپنی می نویسد «گروههای بزرگ دهقانان ژنده پوش در حاشیه شهرها اقامت کرده اند، کسانی که برای این روزنامه ژاپنی از چین گزارش تهیه کرده اند، می نویسند در بسیاری از روستاها حتی بسیاری از پرسنل های بهداشتی و غیره بخاطر عدم تکافوی حقوق برای امرار معاش دست به تکدی می زنند. این روزنامه می افزاید، عده ای از ناظران ععیده دارند، یکی از دلایل هیاو درباره محاکمه باند چهارتفری آن است که رهبران پکن می خواهند شکست برنامه های اقتصادی را که توسط مائوئیستها طرح ریزی شده، تنها به گردن این باند بیندازند.

داروخانه از ارسال دارو به جبهه خودداری کرده، جهاد سازندگی آن را به آتش کشیده است! این حملات درست در متن آمادگی ضدانقلاب برای آتش افروزی در سیستان و بلوچستان انجام می گیرد و حمله چاقوآزاران

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

احمد و فاطمه از مشهد شش عدد سکه طلا
محمد و سهریانو از مشهد یک انگشتر و یک عدد مدالوم طلا
عده ای از هواداران حزب توده ایران در قوجان ۱۵۰۰۰ ریال
محمدرضا از قوجان ۱۰۰۰۰ ریال
محلات ۱۰۰۰۰ ریال
آرش از بندرانزلی ۱۵۰۰۰ ریال
روزبه کوجولو از بندر انزلی ۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی پیردازند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دقتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH
MARDOM
No. 385
3December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران